

یزد؛ جسدی بزرگ شده

Yazd; A Disfigured Body | Mohammadreza Sartipi Isfahani

Yazd, a city with a long history and a World Heritage Site, is a tourist destination that invites people to visit its historical urban fabric, mud walls, high gateways, organic alleys, and nightlife. But how much of this attractive magazine showcase tells the truth about Yazd?

یزد شهری به قدمت تاریخ و بافت شهری ثبت شده در میراث جهانی، یکی از مقاصد گردشگران است که افراد را به بازدید بافت شهری تاریخی، دیوارهای گلی، سردرهای رفیع، کوچه‌های ارگانیک و زندگی شبانه دعوت می‌کند؛ اما این ویتترین ژورنالی جذاب چه میزان راوی حقیقت یزد است؟

محمد رضا سرتیپی اصفهانی

متولد ۱۳۷۵. دانشجوی دکتری معماری منظر در دانشگاه تهران. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری و معماری منظر از دانشگاه تهران است که روی موضوعات منظر شهری، نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، توسعه شهری و همچنین گردشگری فعالیت کرده است.

◀ آبادانی در دل کویر، زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن یزد شده است که به واسطه ویژگی‌های منحصر به فرد خود، ظرفیت بالایی برای جذب گردشگر دارد. قنات‌ها و بادگیرها نشانه‌هایی از هوشمندی نیاکان در سازگاری با اقلیم خشک منطقه هستند. شهرسازی فشرده و معماری درون‌گرا نشان‌دهنده تلاش برای زیست‌پذیری در این فلات است. حفظ میراث تاریخی یزد نیازمند تأمل در چند وجه است؛ اول اینکه چه چیزی باید حفظ شود، دوم اینکه این پدیده در مقابل چه چیزی باید حفظ شود و سوم اینکه برای چه کسانی این اقدامات انجام می‌شود.

در ادامه، توازن میان سه محور اصلی بحث می‌شود: حفاظت از میراث فرهنگی و منظر شهری، توسعه گردشگری و حس تعلق شهروندان و نوسازی و حفاظت از بافت‌های تاریخی. تعریف منظر شهری به عنوان ادراک شهروندان از شهر اهمیت دارد، چراکه تجربه‌های مکرر آن‌ها از فضاهای کالبدی، این فضاها را به «مکان» تبدیل می‌کند. در یزد، با وجود عقبه تاریخی غنی، حفاظت از این میراث برای نسل‌های آینده ضروری است.

سؤال اصلی این است که رویکرد ما در این زمینه چه باید باشد؟ برای پاسخ به این سؤال، باید مشخص کنیم که چه چیزی مستحق نگهداری است. کالبد خانه‌ها و کوچه‌ها تنها عناصر منفعل نیستند، بلکه بافت تاریخی شهری پدیده‌ای پیچیده است. کالبد به عنوان سخت‌افزار نیازمند نگهداری از نرم‌افزار فرهنگی است؛ نرم‌افزاری که شامل فرهنگ روزمره، خرده‌فرهنگ‌ها و نوع زیست ساکنان است. تعاملات روزمره مانند خرید

از دکان‌های محلی، بازی کودکان و گپ زدن پیرمردان، همگی جزئی از این نرم‌افزار هستند که هویت بافت‌های شهری را شکل می‌دهند؛ بنابراین نگهداری از میراث فرهنگی یزد باید شامل حفاظت از هر دو بُعد کالبدی و فرهنگی باشد. این رویکرد نه تنها به حفظ ساختارهای تاریخی کمک می‌کند، بلکه به تقویت حس تعلق شهروندان و ارتقای کیفیت زندگی در این بافت‌ها نیز منجر خواهد شد. در نهایت یزد به عنوان یک شهر تاریخی و فرهنگی، نیازمند توجهی جامع و متوازن است تا هم میراث آن حفظ شود و هم زندگی روزمره ساکنان آن غنی‌تر شود. نگهداری از آثار تاریخی و بافت‌های شهری باید در برابر تخریب این آثار انجام شود. مرمت کالبدی و احیای کاربری بناها، چه با حفظ کاربری پیشین و چه با اعطای کاربری‌های جدید متناسب، جزء فعالیت‌هایی است که در یزد به خوبی انجام می‌شود، اما این نگهداری تنها به جنبه‌های سخت‌افزاری محدود نمی‌شود و باید به حفظ زندگی جاری محله‌ها نیز توجه شود؛ بنابراین واژه «احیا» به معنای زنده کردن زندگی محله باید بر حفاظت کالبدی مقدم باشد.

محله‌ای به درستی احیا می‌شود که نه تنها کالبد آن، بلکه زندگی جاری ساکنانش نیز حفظ شود. حفاظت کالبدی ممکن است با محدودیت‌هایی همراه باشد که نیازهای معاصر را نادیده می‌گیرد. در نتیجه ساکنان ممکن است مجبور شوند بافت را ترک کنند یا مسکن خود را به کاربری‌هایی برای گردشگران تبدیل کنند که در این صورت بافت از زندگی روزمره خالی شده و به یک موزه تبدیل می‌شود. هدف از نگهداری باید ارتقای منظر شهری باشد که در آن جامعه محلی و شهروندان در اولویت قرار دارند و تسهیلاتی نیز برای گردشگران فراهم شود. بافت‌های تاریخی به طور معمول فرسوده هستند و نوسازی آن‌ها با چالش‌هایی مواجه است. برای تحریک ساکنان به نوسازی، نیاز به محرکه‌ای وجود دارد که در یزد به کمک ارگان‌های دولتی و عزم مردم در ثبت جهانی بافت ایجاد شده است.

بناهای موجود در این بافت اغلب به کاربری‌های خدمات‌رسان برای گردشگران تبدیل شده‌اند، اما این بافت همچنان فاقد حیات واقعی است. نوسازی باید به گونه‌ای صورت بگیرد که منجر به ایجاد کالبدی بی‌جان نشود. بافت شهری باید زنده باشد و تا زمانی که زندگی در آن جریان دارد، ارزشمند است. اگر حیات این بافت مختل شود، ممکن است به تخریب بینجامد یا به حالتی شبیه موزه تبدیل شود. تجربه‌ی ونیز و دیگر بافت‌های تاریخی نشان می‌دهد که رویکرد صرف به حفظ کالبد می‌تواند شکست بخورد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که با احیای منظر شهری، زندگی شهروندان ساکن در بافت‌ها حفظ شود. این امر با تقویت خدمات و تسهیلات برای ساکنان امکان‌پذیر است و منجر به بازگشت جمعیت محلی و احیای بافت خواهد شد.

با احیای زندگی روزمره در بافت، صنعت گردشگری نیز تقویت می‌شود. گردشگران امروزه به دنبال تجربیات فرهنگی متفاوت هستند و اگر فقط با کالبدی منفعل مواجه شوند، جذابیت این شهرها کاهش می‌یابد. یکی از وجوه تمایز این بافت‌ها نسبت به دیگر شهرها، تجربه نزدیک به زیست روزمره ساکنان است که با موزه‌ای کردن بافت از آن محروم شده‌ایم؛ بنابراین ضروری است که هم‌زمان با حفاظت از میراث فرهنگی، زندگی جاری ساکنان نیز مورد توجه قرار بگیرد تا هویت واقعی این بافت‌ها حفظ شود. ■

منابع:

- برک، آگوستین. (۱۳۸۷). منظر، مکان، تاریخ. ترجمه: مریم منصور. باغ نظر، شماره ۹.
- منصور، سید امیر. (۱۳۸۹). چستی منظر شهری. منظر، ۲(۹)، ۳۰-۳۳.